

آغاز ۴ سالگی شهر بانو

در آستانه چهارمین سال انتشار «شهربانو»

گوشه‌ای از زندگی زنان را روایت می‌کنیم که برای همه ما خاطره ساختند

نوشتن از چهار سال پرفراز و نشیب شاید صفحات زیادی بطلبد که آدم بخواهد آنچه در ذهنش می‌گذرد بازگو کند. شب‌های کوتاه تابستان را به هم وصل کردیم و سرمای زمستان را در کوتاهی روزهایش ضرب کردیم تا بتوانیم از زنان بگوییم بدون جانب‌داری، بدون نگاه سیاسی، بی‌آنکه بخواهیم از این بخش که همیشه طرف‌داران خود را دارد به قول معروف برای خودمان قبایی بدوزیم. ما تلاش کردیم زنان شهرمان را با چهره واقعی و دغدغه‌هایشان بنویسیم. از آسیب‌های اجتماعی گفتیم اما می‌دانیم هنوز مسیری طولانی در پیش داریم. شهر مشهد نیازمند حمایت از زنان و نشان دادن مشکلات آن‌هاست. در این بخش، بنا به ضرورت، از چند بانوی فعال که در یک سال گذشته با آن‌ها گفت‌وگو داشتیم خواهیم گفت.



حمیده وحیدی

شهر بانو

شهربانو

۲۳ اسفند ۱۴۰۰
شماره ۱۴۴۴ شماره ۳۶۲۸

۴

مادر نمونه کشور

فداکاری را به ما آموخت

✚ بانو مریم کارگر عزیزی

بعضی آدم‌ها یک جوری در زندگی‌ات می‌مانند که دلت بی‌امان دستور می‌دهد بودنشان را پیش همه آدم‌هایی که می‌شناسی تکرار کنی! طوری هم از آن‌ها حرف می‌زنی که گویی همیشه برایت تازه‌اند و کهنگی هرگز در کلامت معنایی ندارد. بانو مریم کارگر عزیزی فاغ از همه مدال‌های بی‌نشانی که از مادرانگی بر سینه داشت، برایم این گونه بود، از همان وقتی که در سال ۹۵ یک ملاقات بهانه‌ای شد تا هرگز فراموشش نکنم. هنوز روضه‌نذری ایام دهه فاطمیه را برای همسر و پسر مفقودالآثرش که سال‌ها بود در گوشه بهشت رضا^(ع) آرامیده بودند می‌خواند. عنوان مادر و خواهر و همسر شهید باعث شد مدام به این فکر کنم مگر می‌شود یک آدم تا این اندازه دست از دلش بکشد و بی‌توقع از زندگی، هر چه دارد ببخشد. سال‌ها دل تنگی‌هایش را کجا خاک کرده که هیچ‌وقت صدایش در نیامده است؟

بعد از چاپ مصاحبه با این بانوی عزیز و بزرگوار، جمعی از مدیران شهری و خادمان خدمتگزار مردم مشهد به دیدار ایشان رفتند و ضمن تقدیر از مقام این بانوی عزیز که فخر زنان مشهد است، قرار شد کتاب سرگذشت ایشان چاپ شود. اگرچه در شرایط فعلی کسالت و یادآوری خاطرات حالش را مکدر کرده است، با پیگیری‌های انجام‌شده، امیدواریم در سال آینده یکی از کتاب‌های خوب در زمینه ایثار و فداکاری و مادرانه را انتشار دهیم.

کارآفرینی از دل ضایعات

✚ بانو فرشته نقوی

با فرشته نقوی وسط اطلاعات و آمار دفتر یک مسئول آشنا شدیم وقتی می‌گفت زنی را می‌شناسد که از دل ضایعات برای تعدادی بانو در حاشیه شهر اشتغال ایجاد کرده است. کارآفرینی شاید به حرف ساده باشد، اما در واقعیت، دشواری‌ها و حتی از خودگذشتگی‌هایی لازم دارد تا به نتیجه برسد. این افراد آدم‌های دغدغه‌مندی هستند که می‌خواهند تعداد بیشتری از مردم از خیر و برکت کار آن‌ها بهره‌مند شوند. ما در بولوار شاهنامه زنی را دیدیم که در حوزه بازیافت و آسیاب مواد و ضایعات پلاستیکی در مشهد فعالیت می‌کرد. با اینکه در تصور بیشتر ما بازیافت شغلی مردانه محسوب می‌شد، او همه کارکنان خود را نیز از میان زنان انتخاب کرد و کارگاهش به پاتوقی برای کسب رزق حلال تبدیل شد.

فرشته خانم می‌دانست که می‌تواند کارش را گسترش دهد اما هنوز در پیچ و خم کارهای اداری و سنگ‌اندازی‌ها مانده بود. او را زنی دیدیم که در صورت حمایت مسئولان شهری، می‌توانست به زنان یک منطقه در حد توان کمک کند.

چترها تان را گشودید و آفتاب آوردید

✚ بانو فرشته قانع، بانو سیده ساجده موسوی و بانو سمیه رسولی

در هنگامه روزهای تلخ تابستان که کرونا در مشهد بیداد می‌کرد و خبرهای تلخ و مرگ و بیماری‌ها بر شهر سایه انداخته بود، با دو پزشک و یک پرستار آشنا شدیم که به صورت عام‌المنفعه و جهادی در تلاش برای نجات جان مردم و زنان بودند، زنان جوانی که با خود عهد کرده بودند لباس سفیدشان را با روح و روان تازه پیوند بزنند. قرارگاه شهید سلیمانی از ۲۰ مرداد در مشهد با همراهی پزشکان و پرستارانی که به صورت جهادی فعال بودند، آغاز به کار کرد. آن‌ها همان رزمندگان خط مقدم بودند که دلشان راضی نشد در آن روزهای آشفته، بیماران را به حال خود رها کنند. آن‌ها خطر ابتلا به کرونا را قبول کردند و حتی از خوشی‌های کوچک زندگی خود در کنار خانواده‌شان دل‌کنند. دکتر فرشته قانع، دکتر سیده ساجده موسوی و سمیه رسولی، پرستاری از نسل دهه هفتادی، شدند همان نسل جدیدی که شاید برخی سن و سال دارها باور نکنند از خودگذشتگی و نوع دوستی میان تار و پود وجودشان تنیده است. آن‌ها تنها چند نمونه از بانوان جهادگر در حوزه سلامت بودند که بدون هیچ اجباری و خودخواسته، پای کار آمدند تا حتی شده یک بیمار کرونایی راحت‌تر نفس بکشد و زودتر به زندگی عادی برگردد.

